



- نگاهی اجمالی به باورها و اعتقادات قرقیزها
- نوروز در قرقیزستان
- شکار سنتی قرقیزی با پرندگان شکاری
- تهیه برنامه اقدامات مربوط به حقوق بشر برای سال های ۲۰۲۲-۲۰۲۴
- افتتاح ساختمان تئاتر ملی «ماناس» قرقیزستان در بیشکک
- آرامگاه سفید بولان شاه فاضل
- زندگی نامه ملا صابر حاجی دوسبولوف



قرقیزستان، بیشکک، خیابان عشق آباد، شماره ۲۵



+996 312 903 799



raizani.ir.kg@mail.ru



https://t.me/iran_culture_kyrgyzstan



https://www.instagram.com/iran_culture_kyrgyzstan/



<https://www.facebook.com/CulturalCenterBishkek/?ref=bookmarks>



<https://www.facebook.com/parviz.ghasemi.370>



https://www.youtube.com/channel/UCprdXoZpYgFENpOI_3Kmdlg



<http://bishkek.icro.ir/>



دوهفته نامه

جامعه و فرهنگ قرقیزستان

نشریه فارسی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در قرقیزستان

اسفند ۱۴۰۰ - شماره های ۷۳ و ۷۴

فهرست مطالب این شماره:

مدیر مسئول و سرپرستار:
پرویز قاسمی

گردآوری و ترجمه مطالب:
جاوید میرزایف

طراحی و صفحه آرایی:
عثمان نازرولایف



۸

گزارش:

نوروز در قرقیزستان



۵

دین: نگاهی اجمالی

به باورها و اعتقادات قرقیزها



۳۱

سیاست ها و قوانین: تهیه برنامه اقدامات

مربوط به حقوق بشر برای سال های ۲۰۲۲-۲۰۲۴



۲۹

قرقیزستان را بهتر بشناسیم:

شکار سنتی قرقیزی با پرندگان شکاری



نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.
درج مطالب در این نشریه الزاماً به معنی تأیید
تام و تمام محتوای آنها نیست.



۳۹

شخصیت:

زندگی نامه ملا صابر حاجی دوسبولوف



۳۳

مرکز:

آرامگاه سفید بولان شاه فاضل



۳۲

خبر: افتتاح ساختمان تئاتر ملی

«ماناس» قرقیزستان در بیشکک



درباره دوهفته نامه «جامعه و فرهنگ قرقیزستان»

شناخت و درک صحیح جامعه و فرهنگ کشورهای دیگر به ویژه کشورهای همسایه و پیرامون؛ پایه و اساس برقراری و توسعه روابط فرهنگی با آنهاست و بدون این شناخت؛ سیاست گذاری؛ برنامه ریزی و فعالیت فرهنگی بین المللی و منطقه ای اعتبار و اثربخشی مناسبی نخواهد داشت. توسعه صحیح روابط فرهنگی ایران و منطقه آسیای مرکزی (در اینجا قرقیزستان) نیز مستلزم دستیابی به درکی درست و مبتنی بر واقعیات عینی از جامعه و فرهنگ امروز این کشورها و مردمانی است که در این منطقه زندگی می کنند. ارائه تصویری روشن و مبتنی بر عینیات از جامعه و فرهنگ آسیای مرکزی و تحولات؛ سیاست ها؛ برنامه ها و اقدامات مهم این کشورها در حوزه جامعه و فرهنگ می تواند ضمن کمک به تأمین اشراف خبری-اطلاعاتی نظام به مسائل و تحولات دینی فرهنگی منطقه و محیط بین الملل؛ مراکز و نهادهای تصمیم گیر در داخل کشور را در اتخاذ سیاست ها و راهبردهای بلندمدت و کوتاه مدت فرهنگی و تنظیم روابط فرهنگی بر اساس مختصات هر یک از کشورهای منطقه یاری نماید. رایزنی فرهنگی سفارت ج.ا.ایران در جمهوری قرقیزستان در نسل چهارم مدیریتی خود (از فروردین سال ۱۳۹۸) با درک این مسئله و با وقوف بر اهمیت اطلاع رسانی درست و به موقع از تحولات و رویدادهای فرهنگی اجتماعی منطقه؛ تهیه و انتشار دوهفته نامه الکترونیکی «جامعه و فرهنگ قرقیزستان» را از جمله یکی از برنامه های ثابت خود قرار داده است. در سال سوم انتشار این نشریه - ۱۴۰۰ - نیز تلاش شده است علاوه بر محتوا؛ کیفیت طراحی و صفحه آرایی آن نیز بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد. امیدوار هستیم خوانندگان مطالب این دوهفته نامه با ارائه نقطه نظرات و پیشنهادات خود ما را در ارتقای کیفیت و محتوای مطالب یاری نمایند.

پرویز قاسمی
رایزن فرهنگی



رمز تنگری گرای

تا کنون در زندگی و زبان قرقیزها مشاهد می شود. در زندگی روزمره قرقیزهای امروز اصطلاحاتی مانند «تَنیر قولدوسون» (یعنی «تَنیر یا آسمان به همراهت»)، «کوک تَنیر» (به معنی «آسمان آبی - اله یا خدا») رایج است.



طلسم بر درب یورت

نگاهی اجمالی به باورها و اعتقادات قرقیزها

در حال حاضر صنعت گردشگری نقش مهم و گاهی تعیین کننده ای در اقتصاد بسیاری از کشورها ایفا می کند. وضعیت سال های اخیر نشان می دهد که برای گردشگران خارجی معیار اصلی در انتخاب مقصد مسافرت در کنار آثار باستانی و دیدنی های دیگر، وجود ارزش های معنوی اقوام نیز می باشد. جهان بینی قرقیزها ناشی از فرهنگ دینی از دوران باستان مرتبط با اعتقادات بت پرستانه مانند توتم پرستی، جان گرای یا آنیمیزم، آتش پرستی و ... بوده است. در دوره معاصر تمام این اعتقادات در یک اصطلاح «تنگری گرای» گنجانده شده است. تنگری گرای یکی از ویژگی های دینی در فرهنگ قرقیزها تلقی می شود زیرا میراث دینی و معنوی گذشتگان را در بر می گیرد. تنگری گرای چیست؟ تنگری گرای سبک زندگی و نوع جهان بینی در دوران نوسنگی و مراحل ابتدایی عصر مفرغ بوده است. این کهن ترین درک از زندگی و دنیای پیرامون در هزاره چهارم قبل از میلاد در بین النهرین بوده است که شاهد مثال آن برخی متون به خط میخی از تمدن سومری است. این جهان بینی در میان اقوام ساکن در سرزمین های آلتای باستان نیز رایج بود. محققان معتقدند که زبان های گروه آلتای از نظر خانواده زبانی و ریشه ها مشترک هستند زیرا از یک زبان مادری ظهور پیدا کرده اند. تنگری گرای قبل از انشعاب زبان مادری آلتای شکل گرفت که دلیل آن مهاجرت بسیاری از اقوام آلتای باستان به سرزمین های آسیای مرکزی با حفظ اصول تنگری گرای نزد اقوام ترک تبار حتی تا قرن ۱۹ میلادی است. مفاهیمی مانند تَنیر، اومای اِنه، کوت و ...



بخشی از زندگی آن شده است. اومای انه یا مادر اومای الهه بت پرستان و حافظ بت پرستان و کانون خانواده است. در متون کهن ترکی قرون ۷ و ۸ میلادی کیش اومای به عنوان کیش باروری و شفا از بیماری ها معروف بود. لذا طبیبان امروز مانند اجداد آنها در هنگام درمان بیماران می گویند: «مین قولوم امس، اومایدین قولو» (دست من نه، دست اومای). در هنگام به دنیا آمدن نوزاد اگر لکه کبودی بر روی کمر بچه ظاهر شود در نزد مردم گفته می شود که این لکه اثر انگشت اومای انه است. مردم معتقدند که او با این کار به کودکانی حرف نشنو اشاره می کند. اینگونه اعتقادات دینی و بت پرستانه در دوره امروزی نیز نزد قرقیزها رایج است. اینگونه نمادها ضمن انتقال سینه به سینه تبدیل به کهن الگوی امروزی فرهنگ قوم قرقیز شده است. به گفته کارل یونگ فیلسوف غربی، هر ملت ترکیبی از کهن الگوها را دارا است. این کهن الگوها می تواند پیر خردمند، مادر زمین یا مادر اولیه و ... باشد. امروزه برنامه هایی با حضور این نمادها در هنگام اعیاد، نمایشنامه ها و دیگر برنامه های عمومی اجرا می شود.

سائول آبرامزون مستشرق و قرقیزشناس معروف روسی در این مورد گفته است: «تلفیق عقاید مختلف از ویژگی های اصلی جهان بینی دینی قرقیزها است». کوه های بلند و دسترسی به آسمان صاف و بی آلودگی در طول هزاران سال اعتقاد مردم را به روح الهی آسمان «تنیر» حفظ نموده است. قرقیزها در موارد شوم از اصطلاحات «تنیر جالقاسین» («آسمان به تو برکت بدهد») یا «تنیر اوزسون» («آسمان لعنت کند») استفاده می کردند. به اعتقاد محققان واژه تنگگری از واژه های کهن آلتای «تنگ» (برابر و عادل) و «ایری» (قوی، قدرتمند، پهناور، بی انتها) ریشه گرفته است. برابری مهمترین صفت خالق است که به عنوان یک چیز بی انتها و بی پایان نسبت به هر چیز در جهان قابل تعمیم است. زیرا آسمان، هوا، آفتاب، ماه و آب برای هر یک از آدمیان ارزانی شده است. همچنین، برابری در هر پدیده طبیعی شب و روز، زندگی و مرگ، خیر و شر، گرما و سرما، آفریدن و از بین بردن و ... پیدا می شود. این طرز تفکر به دلیل سبک زندگی عشایری مبتنی بر وفاق و هارمونی با طبیعت حفظ شده است. بنابراین تنگری گرایی در سنن، آداب و رسوم، زبان و فرهنگ ملت بطور عمیق نفوذ کرده است و



مجسمه باستانی اومای انه



بدین ترتیب می توان گفت که به رغم تصویری جاافتاده در خصوص قرقیزها به عنوان ملتی مسلمان، از ویژگی های جهان بینی دینی قرقیزی تلفیق عقاید بت پرستانه و اسلام است. اسلامی که در قرن هفتم در شبه جزیره عرب ظهور کرد، در حال حاضر بیش از ۹۰۰ میلیون نفر در جهان پیرو دارد. از میان مردم آسیای مرکزی که به اسلام روی آوردند، قرقیزها و قزاق ها کمتر از دیگر اقوام به اسلام پایبند هستند و تعصب خاصی ندارند. علت آن سنت های دیرین تنگری گرای است که ضمن تلفیق با آموزه های اسلامی به دوران ما رسیده است. علیرغم اسلام گرایی مردمان آسیای مرکزی؛ بسیاری از اعتقادات دینی به وسیله ادبیات شفاهی و تداوم تاریخی به دوران ما رسیده است. تا به امروز عناوین قبایل و تشکل های طوایف قرقیزی که تا کنون نیز میان مردم رایج است حفظ شده است. برای نمونه به نام های قبایل مهم قرقیزی اشاره می کنیم: بوقو (آهو)، بورو (گرگ)، ساری باقیش (گوزن زرد شمالی)، جتینگن (صورت فلکی)، کوشچو (شکارچی پرنده) و ... اساطیر و افسانه ها و داستان هایی در خصوص آفرینش جهان، انسان و قبایل مرتبط است با پرندگان و حیوانات افسانه ای دارای نیرو و توانایی های سحرآمیز. سنت های تنگری گرای در قرقیزستان در عبادت به عناصر طبیعی مختلف متجلی می شود. برای نمونه، درخت و یا بوته ای کنار راه و چشمه و یا مکان مقدس یا مزار که تکه پارچه های رنگین بدان ها آویخته یا گره زده شده است. این تکه ها نشان دهنده درخواست های مردم از نیروهای مافوق طبیعی و الهی برای داشتن سلامتی، دفاع از بیماری و بلاهای دیگر، موفقیت، سعادت و افزایش روزی است. چشمه آب نیز مقدس به شمار می رود و به اعتقاد مردم هر چشمه صاحب و حامی دارد. در مجموع آب منشأ حیات بر زمین است زیرا در تنگری گرای به معنی هدیه مقدس الهی محسوب می شود.

یکی از ویژگی های زندگی دینی مردم زیارت است. در قرقیزستان حدود سه الی چهار هزار نفر در سال برای انجام فریضه حج به مکه مشرف می شوند. این سهمیه ای است که عربستان سعودی برای قرقیزستان تعیین کرده است. در این کشور نیز مکانی محترم نزد مسلمانان به نام سلیمان توو یا کوه سلیمان وجود دارد که در یکی از

شهرهای قدیمی دره فرغانه به نام شهر اوش واقع شده است. متأسفانه، زیارت از کوه سلیمان مانند زیارت از کوه فوجی در ژاپن و یا سیناء در مصر، جنبه جهانی پیدا نکرده است. البته اماکن مقدس دیگر و آثار طبیعی کشور مانند غار آبی در منطقه قوجو کلین، آبشارهای آبشیرسای و ازشلان باب، آرامگاه ماناس، آرامگاه شاه فاضل نیز وجود دارند. در طول قرون بسیار عناصر طبیعی دیگر مانند چشمه آب و کوه و صخره ها مقدس به شمار می روند. هر کدام از آنها با افسانه و روایت های زیبا و شنیدنی همراه هستند که بر فرهنگ اسطوره ای ملت قرقیز غنا بخشیده اند. سنگ نوشته های کهنی نیز در قلمرو قرقیزستان مشاهده می شوند که تبدیل به محل زیارت شده اند. یکی از این مکان ها غار «آق چوئقور» در دره ایسبیک کول است. در این سنگ نوشته ها تصاویری از شکار، رقص و علامت های خورشید وجود دارد که نقاش اولیه ده هزار سال پیش کشیده است. محل این غار در وسط کوه های بلند است. وجود آثاری از آتش در آن محل نشان می دهد که آدم اولیه ضمن عبادت به نیروهای طبیعی آیین سحرآمیز را انجام می داده است. یکی از مجموعه های معروف سنگ نوشته ها که قدیمی ترین آن به دوره مفرغ بر می گردد محلی به نام «سایمالو تاش» (به معنی «سنگ پرنقش و نگار») واقع در شمال شرق شهر جلال آباد است. این گالری کمک می کند تصویری از گسترش هنر و دین باستان در طول سه هزار سال داشته باشیم. در این گالری ۱۰۷۵۲۵ تصویر وجود دارد. از لحاظ نوع تصاویر می بینیم که این محل مقدس و مکان عبادت به خورشید بوده که کانون عبادت در فرهنگ بت پرستی زارعان فرغانه و دامپروران نارین بوده است. تصاویری روی صخره ها که در سال ۱۹۵۳ در نزدیکی شهر چولپان آتاکشف گردید، در واقع گالری سنگی و معبدگاه روباز می باشد. تصاویر کشیده شده به روش کنده کاری واقعی نشان داده می شوند، حیوانات و انسان ها جلوه گر سوژه های دینی و روزمره زندگی انسان دوره مفرغ و دوران پس از آن می باشد. اگر تاریخ، فرهنگ و طبیعت قرقیزستان را به تفصیل بررسی کنیم، می توانیم به بسیاری از سوالات تاریخی پاسخ بدهیم.

منبع:

<http://tourkg.com/2014/04/religioznye-verovaniya-kyrgyzov.html/>



نوروز در قرقیزستان

النورا نوسوبعلی یوا

Норгуз майрамыңыздар менен!



چکیده

منطقه ای که در آن جشن نوروز برگزار می شود، امروزه شامل کشورهای زیادی است که قرقیزستان نیز یکی از این کشورها به شمار می آید. با وجود چندین دهه ممنوعیت برپایی جشن عید نوروز در این کشور در زمان اتحاد جماهیر شوروی امروزه شاهد برگزاری نوروز با همان سبک و سیاق آیین کهن هستیم. قرقیزها این عید را جشن بزرگ طبیعت بر می شمارند و معتقدند که با فرا رسیدن نوروز، موجودات حیاتی دیگر می یابند و به مرحله ای تازه وارد می شوند. به همین سبب نوروز را متفاوت از جشن های دیگر برگزار می کنند و برای نوروز جایگاه ویژه ای قائل هستند و نوروز را «نوروس» می نامند.

بر اساس باور قرقیزها، نوروز روزی است که فرشتگان آسمان به همه خانه ها سر می زنند و به اهل آنها برکت نثار می کنند. با فرا رسیدن نوروز کشاورزان، دعای «بابا دهقان» می خوانند و با طلب رحمت از خداوند، فصل کشت را شروع می کنند. قرقیزها همانند دیگر مردم در برگزاری جشن نوروز سنگ تمام می گذارند و با پختن سومولوک (سمنو) و شیرینی های مخصوص و پوشیدن لباس های محلی به استقبال نوروز و بهار می روند. جوانان با شور و اشتیاق در کنار دیگ های سومولوک آرزوهای خود را طلب می کنند و به جشن و پایکوبی می پردازند. بزرگترها با نواختن موسیقی و آوازخوانی، جشن و سرور را به دیگران هدیه می دهند و همه را به آشتی و فراموش کردن کدورت ها دعوت می کنند.

قرقیزها هم به مانند ایرانیان و دیگر ملل با به جا آوردن این آداب و رسوم شادی دیگری به سرزمینشان می بخشند.

در این مقاله سعی شده آیین نوروز در قرقیزستان از زاویه های مختلف تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

واژه های کلیدی:

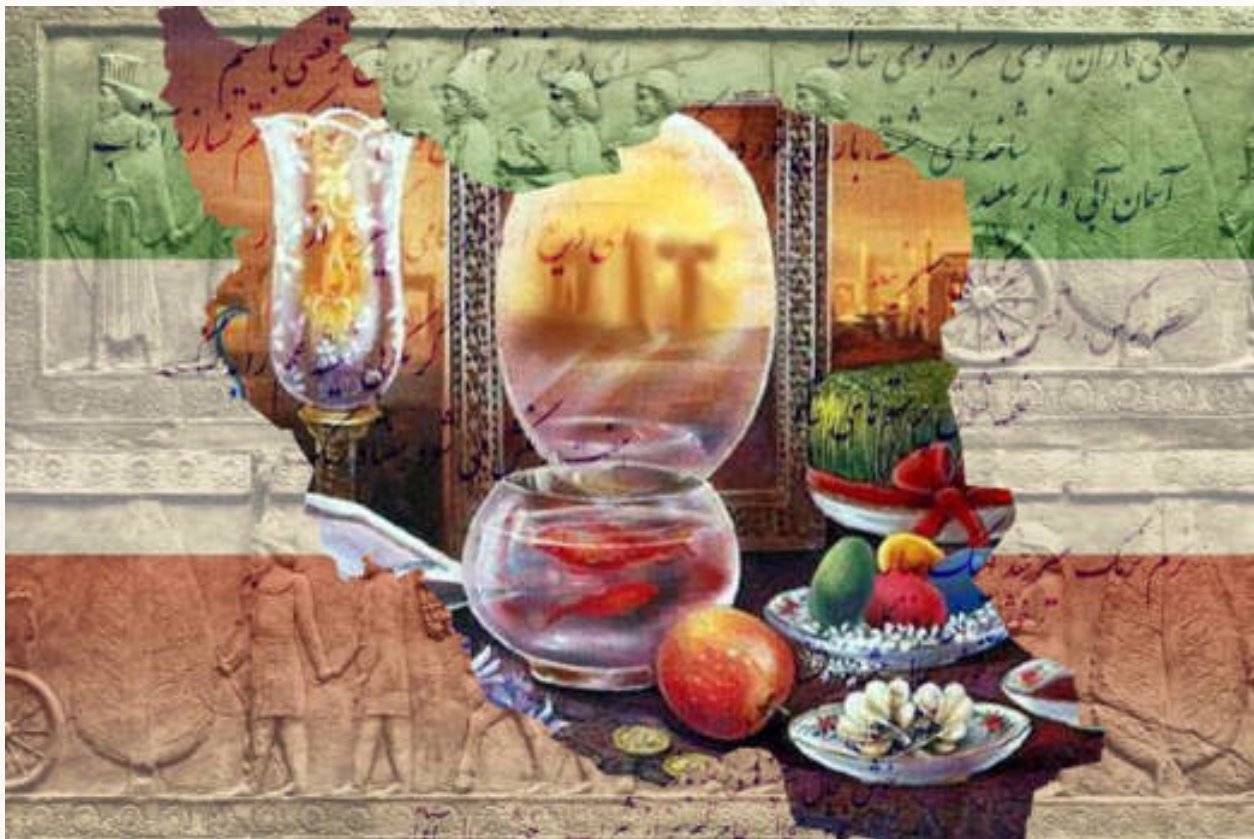
شاهنامه، زرتشت، افغانستان، تاجیکستان، قرقیزستان، خاورمیانه، قرقیز، ازبک، اتحاد شوروی، مغولستان، راویان، سهم، جشن نوروز، استقلال قرقیزستان، نورس، اوروزدما، تمدن سفدی، سالنامه قرقیزی، فرشتگان، یورت، بوزاوی، توندک، قانات، اوک، دسترخوان، اوما، انه، تنگری آتا، اله، باتما، آلاس، دعا، سنتی، سوغوم، سومولوک، باوورسوق، پنج انگشت، بازی های سنتی، موسیقی، کاموز، لباس ملی.



۱. مقدمه

نوروز به عنوان یک میراث فرهنگی در دوران معاصر همواره مورد توجه مردم ملل مختلف قرار داشته و هر ساله برگزار می شود. البته برگزاری جشن نوروز به صورت آشکار در برخی از کشورها توسط برخی حکومت ها برای مدت زمانی ممنوع بود. حکومت شوروی برگزاری جشن نوروز را در برخی از کشورهای آسیای میانه مانند ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان و تاجیکستان ممنوع کرده بود و این ممنوعیت تا زمان میخائیل گورباچف ادامه داشت. با این وجود، مردم این مناطق نوروز را پنهانی و یا در روستاها جشن می گرفتند. با گسترش نوروز به عنوان جشن و عید در کشورهایمانند مصر، چین و دیگر کشورها و اعلام رسمی سازمان ملل متحد و تصویب یک قطعنامه مبنی بر قرار دادن نوروز در فهرست روزهای بین المللی و به رسمیت شناخته شدن آن به عنوان فرهنگ صلح در جهان بر اهمیت و ارزش آن افزوده شده و می شود. لذا می توان دریافت که نوروز از گستره چندین کشور از سراسر خاورمیانه و قفقاز تا آسیای میانه و آمریکای شمالی به تدریج در حال نفوذ در فرهنگ و آداب و رسوم کشورهای دیگر است و این خود فصلی است برای نزدیکی ملل به یکدیگر و خود تعریفی است از گفت و گوی تمدن ها تا هم زیستی و نوع دوستی را در جهان بشریت نهادینه و ریشه ای کند.

۲. تاریخچه نوروز



نوروز باستانی از هزاران سال پیش تا کنون جشن ملی ایرانیان به شمار می آمده و پایه گذار آن در برخی از متن های کهن ایران از جمله شاهنامه فردوسی و تاریخ طبری، جمشید نام برده شده و در برخی دیگر، کیومرث به عنوان پایه گذار نوروز معرفی شده است.

پدیدآوری نوروز در شاهنامه بدین گونه روایت شده است که جمشید در حال گذشتن از آذربایجان دستور داد تا در آنجا برای او تختی بگذارند و خودش با تاجی زرین بر روی تخت نشست. با رسیدن نور خورشید به تاج زرین او، جهان نورانی شد و مردم شادمانی کردند و آن روز را روز نو نامیدند.

برخی از روایت های تاریخی آغاز نوروز را به بابلیان نسبت می دهند. بر طبق این روایت ها، رواج نوروز در ایران به ۵۳۸ سال قبل از میلاد یعنی زمان حمله کوروش بزرگ به بابل بازمی گردد. همچنین در برخی از روایت ها از زرتشت به عنوان بنیان گذار نوروز نام برده شده است. اما در اوستا نامی از نوروز برده نشده است.



عید نوروز و گرامی بودن آن نزد ایرانیان بسیار قدیم و کهن می باشد، چنان که با استناد به نوشته های بابلی ها، شاهان هخامنشی در طول جشن نوروز در ایوان کاخ خود نشسته و نمایندگانی را از استان های گوناگون که پیشکش هایی نفیس همراه خود برای شاهان آورده بودند، می پذیرفتند. گفته شده که داریوش کبیر، یکی از شاهان هخامنشی (۴۲۱-۴۸۶ ق.م)، در آغاز هر سال از پرستشگاه مردوک، که از خدایان بزرگ بابلیان بود، دیدن می کرد. همچنین پارتیان و ساسانیان همه ساله نوروز را با برپایی مراسم و تشریفات خاصی جشن می گرفتند. صبح نوروز شاه جامه ویژه خود را پوشیده و به تنهایی وارد کاخ می شد. سپس کسی که به خوش قدمی شناخته شده بود، وارد می شد. و سپس والامقام ترین موبد در حالی که همراه خود فنجان، حلقه و سکه هایی همه از جنس زر، شمشیر، تیر و کمان، قلم، مرکب و گل داشت در حین زمزمه دعا وارد کاخ می شد. پس از موبد بزرگ، ماموران حکومت در صفی منظم وارد کاخ شده و هدایای خود را تقدیم شاه می کردند. شاه پیشکش های نفیس را به خزانه فرستاده و باقی هدایا را میان حاضران پخش می کرد.





جغرافیای نوروز

منطقه ای که در آن جشن نوروز برگزار می شود، امروزه شامل چند کشور می شود و همچنان در این کشورها جشن گرفته می شود. برخی آیین های نوروز در این کشورها با هم متفاوتند. مثلاً در افغانستان سفره هفت میوه می چینند، اما در ایران سفره هفت سین می اندازند و در تاجیکستان سفره هفت شین پهن می کنند.

جغرافیای نوروز با نام نوروز یا مشابه آن، سراسر خاورمیانه، بالکان، قزاقستان، تاتارستان و در آسیای میانه چین شرقی (ترکستان چین)، سودان، زنگبار و در آسیای کوچک سراسر قفقاز تا آستراخان و نیز آمریکای شمالی، هندوستان، پاکستان، بنگلادش، بوتان، نپال و تبت را شامل می شود. همچنین کشورهایی مانند مصر و چین جزو سرزمین هایی نیستند که در آنها نوروز جشن گرفته می شد، اما امروزه جشن هایی مشابه جشن نوروز در این کشورها هم برگزار می شود.



در تاریخ ۳۰ مارس ۲۰۰۹ (۱۰ فروردین ۱۳۸۸) پارلمان فدرال کانادا اولین روز بهار هر سال را به عنوان نوروز (Nowruz Day)، عید ملی ایرانیان و بسیاری اقوام دیگر نامگذاری کرد.

در تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۱۰ سازمان ملل متحد با تصویب یک قطعنامه در مقر سازمان در نیویورک عید نوروز را به عنوان روز بین المللی نوروز و فرهنگ صلح در جهان به رسمیت شناخت.

۳. نوروز در قرقیزستان

۳/۱. نگاهی گذرا به جغرافیا و تاریخ قرقیزستان

قرقیزستان در میان سلسله جبال تیان شان واقع شده است. به همین خاطر بیشتر مناطق آن کوهستانی است. بخش هایی از کشور که در ارتفاعات بلند قرار ندارند، شامل دره های عمیق، فلات های کوهستانی و حوضه های آبیگیر می باشند. قرقیزستان به چشم اندازه های زیبا و تاریخ طولانی کوچ نشینی مردمش معروف است.



قرقیزستان دارای جمعیتی حدود شش میلیون نفر و به پایتختی شهر بیشکک است. این کشور به خاطر برخوردها و تنش های قومی میان قرقیزها، ازبک ها و سایر اقوام، کشوری مثال زدنی است. قرقیزستان حتی در دوره تسلط اتحاد شوروی نیز شاهد چنین برخوردهای قومی بوده است. تاریخ قرقیزستان به سال ۲۰۱ قبل از میلاد بازمی گردد. قرقیزها معتقدند قوم قرقیز از اقوام ترک زاده شده اند. در ابتدا قرقیزها در بخش شمال شرقی کشوری که هم اینک مغولستان نامیده می شود، زندگی می کردند. بعدها آنها به جنوب مهاجرت کرده و در اطراف رودخانه ینی سئی در جنوب سیبری سکنی گزیده و از قرن ششم تا هشتم در آنجا زندگی کردند. در قرن دوازدهم، اسلام دین مسلط در تمام منطقه شد و در قرن سیزدهم قرقیزها با اوج گیری امپراطوری مغول به جنوب مهاجرت کردند. در قرن های پانزدهم و شانزدهم جمهوری قرقیز شکل گرفته بود و تا قرن نوزدهم به شکل مستقل به حیات خود ادامه داد. در سال ۱۸۷۶ این سرزمین به تصرف امپراطوری روسیه درآمد که باعث برخی از تنش ها و شورش ها شد. در طول تسلط روسیه، بسیاری از قرقیزها به چین و افغانستان مهاجرت کردند. در سال ۱۹۱۸ اتحاد جماهیر شوروی در این منطقه برقرار و در سال ۱۹۲۴ قرقیزستان بخشی از منطقه خودمختار قازا - قرقیز شناخته شد. در سال ۱۹۲۶ این نام به جمهوری شوروی سوسیالیستی خودمختار قرقیز تغییر یافت و دوباره در سال ۱۹۳۶ به نام جمهوری شوروی سوسیالیستی قرقیزستان و به عنوان بخشی از جمهوری های متحده شوروی به رسمیت شناخته شد. در سال ۱۹۹۰ جنبش دموکراتیک قرقیزستان آغاز به فعالیت نمود و عسگر آقایف رئیس جمهور شد. در سال ۱۹۹۱ قرقیزستان از اتحاد شوروی جدا شد و جمهوری مستقل قرقیز اعلام موجودیت کرد.

۳.۲. افسانه سرزمین قرقیزستان

بنابر باور و افسانه ای قدیمی از قرقیزها وقتی خداوند زمین را میان ابنای بشر تقسیم می کرد و به هر قومی قطعه ای از زمین پهناور را می بخشید، در آن هنگام قوم قرقیز حضور نداشتند، بنابر گفته بعضی راویان، آنان خواب بودند. پس از اینکه فهمیدند زمین میان ملل مختلف تقسیم شده و مکانی به قرقیزها نرسیده، به درگاه خدا آمدند و از باری تعالی درخواست کردند که سهم آنان را از این زمین گسترده مشخص کند. خداوند به قرقیزها گفت: «کمی دیر آمدید و دیگر زمینی وجود ندارد که به شما بدهم». قرقیزها به درگاه خدا ناله و زاری می کنند که برای همه مردم مأوایی هست، ولی ما وطن نداریم. حضرت باری تعالی با شنیدن ناله شان رو به آنها کرد و گفت: «صبر کنید تا من فکر کنم که چه کاری می توانم برای شما انجام دهم». فردای آن روز قرقیزها نزد خدا می آیند. خداوند به آنان می فرماید: «جای دیگری وجود ندارد که به شما بدهم، ولی مکانی را برای خود در نظر گرفته بودم، حالا که می بینم شما زمینی برای سکونت ندارید، آن را به شما می دهم». به این ترتیب قرقیزها در بهترین و برترین و کوچکترین زمین دنیا که جایگاه خدا بود، ساکن شدند.





۴. رسمیت یافتن نوروز در قرقیزستان

تا چند سال پیش برگزاری نوروز در قرقیزستان زیر سلطه شوروی ممنوع بود، اما مردم قرقیز در روستاها این جشن را از دوران قدیم جشن می گرفتند.

پس از استقلال قرقیزستان از اتحاد جماهیر شوروی، در سال ۱۹۹۳ روز اول بهار، ۲۱ مارس به عنوان نوروز و جشن رسمی اعلام شد و دولت این روز را تعطیل رسمی اعلام کرد و مردم دوباره آیین های کهن نوروزی را با آزادی کامل و شکوه بیشتر جشن می گیرند. دولت در شهرها مراسم جشن نوروز را تدارک و تهیه می بیند. مراسم رسمی عید نوروز با حضور رئیس جمهور و دیگر مقامات لشکری و کشوری و مقامات فرهنگی و سیاسی آغاز می شود. پس از سخنرانی رئیس جمهور در خصوص نوروز و وضعیت کشور، نوبت به سرود و حرکات موزون دسته جمعی می رسد. مردم همه با شور و شغف جامه های نو می پوشند و در میدان اصلی شهر به بازی های ملی و محلی به خصوص کشتی می پردازند. در روستاها نیز بزرگان و ریش سفیدان در برگزاری مراسم نوروز سهم به سزایی دارند.



مردم قرقیزی این عید را جشن بزرگ طبیعت می دانند و معتقدند که روزگار کهن زندگی سپری می شود و روزی نو از راه می رسد و زمانه و آنچه در آن است نو می شود. موجودات گیتی حیاتی جدید می یابند و سال حقیقی دوره ای از ادوار خویش را به پایان رسانیده و دوباره وارد مرحله ای تازه می شود. از این جهات است که این روز به «نوروز» موسوم گردیده است.

۴.۱. نوروز در تاریخ قرقیزها

در تاریخ و فرهنگ قرقیزها نوروز یا عید سال نو و بهار جایگاه ویژه ای دارد. قرقیزها نوروز را «نوروس» یا «اوروزدما» هم می گفتند. به عقیده بعضی، «اوروزدما» از عبارت «نوروز آمد» مشتق شده است. از نظر مورخان قرقیزی، اوروزدما یادگار تمدن سفدی است و یافته های باستان شناسی در خصوص کوچ گروه های سفدی در دره های تالاس و چوی قرقیزستان بر این امر صحت می گذارد. این یافته ها رواج کیش زرتشتی را نیز در آن دوران به اثبات می رساند. اوروزدما به معنای عید و عید گرفتن نیز هست. مورخان چینی نیز اظهار داشته اند که نوروز عید برجسته قرقیزهای چینی است و قرقیزها آن را در زمان خاص خود، یعنی اول بهار، برگزار می کردند. در اثبات این ادعا می توان به سه موضوع اشاره کرد. نخست، وجود سالنامه قرقیزی که با دوره حیوانی از اول بهار شروع می شود و با فعالیت های تولیدی و آموزشی ارتباط دارد. دوم، نیازهای تولیدی در این موقع از سال و سوم، وجود کیش زرتشتی و تقدیس آتش در بین قرقیزها است.



آیین های نوروز در قرقیزستان

۴.۲.۱ خانه تکانی

بر اساس باور قرقیزها نوروز روزی است که فرشتگان آسمان به همه خانه ها سر می زنند و به اهل آن خانه برکت نثار می کنند. این فرشتگان به خانه هایی که تمیز نیست و غبار سال قبل آن هنوز پاک نشده و نیز خانه هایی که اهلش با یک دیگر قهرند، فرود نمی آید. به همین سبب غبارروبی از خانه در روزهای پایانی سال شروع می شود و مردم تمام خانه و وسایل آن را در آستانه نوروز گردگیری، شستشو و تمیز می کنند.

برپا کردن «بوزوی» یا «یورت»

یک یا چند روز مانده به نوروز قرقیزها «بوزوی» یا «یورت» در محل مشخصی برپا می کنند. بوزوی چادر یا خانه محلی است که در مراسم ها و جشن ها مهمترین عنصر به شمار می آید و عمدتاً از نمد تهیه شده است.

«بوزوی» یا «یورت» ("Yurt") واژه ای انگلیسی و به معنای خیمه کروی اقوام آسیای مرکزی است و همین کلمات با اندک تغییری در زبان های آلمانی و فرانسوی نیز استفاده می شود. یورت به سرزمین و منطقه و یا ناحیه نیز اطلاق می شود و اقوام ترک زبان آن را نه درباره خانه هایشان، بلکه درباره منطقه و ناحیه به کار می برند. یورت یعنی کوچ یا حرکت آسان و سریع که از بنیادی ترین امور یک قبیله محسوب می شود. در جوامع سنتی، قبایل برای یافتن چراگاه های سرسبز هر فصل به اماکن مختلف کوچ می کردند. از دوران های بسیار قدیم تا کنون، «یورت» مهمترین پناهگاه اقوام چادرنشین آسیای مرکزی بوده است. در روزگار کنونی یورت اهمیت سابق خود را به عنوان تنها محل زندگی قوم قرقیز از دست داده است و کوه نشینان قرقیزی تنها در بعضی از فصول سال از آن استفاده می کنند، زیرا زندگی آنها نیمه عشیره ای است. آنها در فصل بهار و تابستان به چراگاه های تابستان در کنار دره ها و کوه ها می روند و یورت برپا می کنند و در زمستان به روستای خود بر می گردند و در خانه هایشان زندگی می کنند.



امروزه هنوز هم در برپایی مراسم، جشن ها و سوگ ها، یورت مهمترین عنصر است و بیشتر جشن ها و ضیافت های رسمی را در این چادرهای سنتی برگزار می کنند. نام دیگر یورت در بسیاری از مناطق قرقیزستان «آق اوی» (خانه سفید یا بوزوی) است، زیرا نمای بیرونی یورت با نمد سفید پوشیده می شود. یورت ها امروزه در استخرها و سوناها در قرقیزستان و مکان هایی که آب گرم طبیعی دارند نیز برای استراحت و بازدیدکنندگان یورت به ویژه برای مهمانان خارجی برپا شده است.



یورت و ساختار آن

ساختار یورت بسیار ساده و متشکل از سه بخش اصلی است:

اول: «توندوک» یک دایره چوبی است که بالای یورت قرار می‌گیرد تا دود ناشی از پخت و پز از آن بالا برود.

دوم: «قانات» چوب‌های به هم بسته لوزی شکل است که در بدنه یورت نصب می‌شود و معمولاً رنگ آمیزی شده است.

سوم: «اوک» چوب بلندی که قسمت‌های بدنه اصلی را به هم مرتبط می‌سازد.

نمای بیرونی یورت نیز از نمدهایی سفید و مخصوص پوشانیده می‌شود که در مقابل برف و باران مقاومت دارند. درب قسمت فوقانی یورت به راحتی باز و بسته می‌شود. اکنون در بعضی از یورت‌ها دود کش بخاری تعبیه شده است و از بخاری‌های چوبی نیز برای پخت غذا و گرم کردن خانه استفاده می‌شود. این بخاری معمولاً وسط یورت قرار می‌گیرد. آشپزخانه در قسمت راست یورت قرار دارد و دود آن نیز از روزنه فوقانی یورت یا توندوک بالا می‌رود. غذا هم روی زمین یا میز بر سر «دسترخوان» (سفره) صرف می‌شود. کف زمین را هم با حصیر فرش می‌کنند و روی آن را با گلیم‌ها و نمدهای زیبای قرقیزی می‌پوشانند.

برای برپا کردن یک یورت تنها نیم ساعت زمان لازم است و تمام وسایل آن نیز بر روی یک مرکب قابل حمل است. اندازه یورت‌ها نیز با توجه به میزان جمعیت خانواده متفاوت است. بعضی از یورت‌ها پنج کاناته و بزرگترها دوازده کاناته هستند. یورت‌های بزرگتر به بزرگان و رؤسای قبایل تعلق دارد. در گذشته، مراسم سنتی ازدواج نیز در این خانه‌های نم‌دی برپا می‌شد و بر اساس رسوم، حتی بدن مردگان نیز باید دو یا سه روز در این یورت باقی بماند. داخل یورت مزین به وسایل تزئینی است و به سه قسمت تقسیم می‌شود:

قسمت بالای یورت مخصوص بزرگان خانه است. رئیس یا بزرگ خانواده بر روی بالش یا صندلی چوبی ای‌که به همین منظور تعبیه شده، تکیه می‌کند. قسمت راست مخصوص مردان و قسمت چپ نیز مخصوص خانم‌ها است. در حال حاضر هم جسد مرد فوت شده در سمت راست و جسد زن در قسمت چپ قرار می‌گیرند.





۴.۲.۳ خدایان «اومای اینه»، «تنگری آتا» و نوروز

الف) «اومای اینه»

اومای اینه یکی از خدایان کهن و باستان مردم قرقیز قدیم محسوب می شود که خدای اقوام ترک های باستانی مشترک است. در سنگ نوشته های باستانی قرقیز های ینی سئی از کیش اومای اینه سخن به میان آمده، اما اطلاعات زیادی در دست نیست. سائول آبرامزون ترک شناس مشهور روسی می گوید، اومای اینه که به عنوان کیش «اناث» مورد توجه ویژه بود، حامی و پشتیبان خانواده و نسل انسان است. سیمای اومای اینه و نقش آن نیز متنوع بوده که با گسترش اسلام و پس از مرور زمان تضعیف شده است. مسلمانان قرقیزی اله اومای اینه را به «باتما» یا فاطمه دختر پیامبر اسلام و «زورا» یا زهرا ارتباط می دهند و او را مادر مقدس می دانند. قابله های قرقیزی هنگام وضع حمل زنان یا هنگام معالجه اطفال به درگاه اومای اینه دعا می کردند و از او کمک می طلبیدند. پیرزن ها هنگام مشایعت بزرگان دعا می کردند و آنان را به دست اومای اینه می سپارند. قرقیزهای قدیمی برکت محصول و دام را ناشی از توجه اومای اینه می دانستند و می گفتند که از پستان اومای اینه شیر می آید.

اومای اینه خدای رفاه، آبادانی و معرفت است و کیش اومای اینه همزمان با خدایان آسمان و زمین در مکتوبات قرقیزهای ینی سئی نگاشته شده است.

ب) «تنگری آتا»

اما مشهورترین مفهوم مقدس باستان، «تنگری آتا» است که در نظام اعتقادی قرقیزها جایگاه ویژه ای دارد. تنگری آتا یا اله آسمان و آسمان پرستی، میان همه ترک های آسیای مرکزی جایگاه ویژه ای داشته و دارد. بر اساس منابع چینی، این کیش در هماهنگی با کیش زمینی، یعنی ازللیک و نیز کیش اومای اینه، آیین مشترک داشت. از سنگ نوشته های قرقیزهای ینی سئی مشخص می شود که معنی واژه «تنگری» وسیعتر و فاخرتر از کلمه آسمان است. این خدای بلندپایه، زبده و چکیده همه معتقدات دینی را در خود دارد. اگر تنگری را خدای آسمان بدانیم، با آسمان و خورشید و ماه و زمین و ستارگان نیز ارتباط می یابیم که این یکپارچگی خدایان آسمان و زمین را ثابت می کند و اصطلاح «تنگری جالگاسین» («برسوی خدا خیر و خوبی باد») حکایت از آن دارد که تنگری به جای «الله» به کار می رود. «تنگری» یعنی «الله» یا «خدا» است.





۴.۲.۴ مراسم «آلاس»

با توجه به آمیختگی عادات شادمانی و ادیان باستان فارسی، قرقیزها در عید نوروز یاد مقدسات خود یعنی تَنگُری آتا و اومای اینه را گرامی می داشتند. با فرا رسیدن نوروز و شروع کار کشاورزی، «بابا دهقان» در حین آماده کردن زمین دعا می خواند و صبح زود در روز نوروز «اومای اینه» مراسم را با خواندن دعای «آلاس» شروع می کند.

ترجمه دعای «آلاس» به فارسی چنین است:

Алас, алас, ар балээден калас,
Эски жыл кетти, жаңы жыл келди,
Алас алас, айдан аман, жылдан эсен,
Жакшылыкты теңир берди,
Жарык күндү кеңири берди,
Орообуз данга толсун,
Оозубуз нанга толсун!
Алас, алас, ар балээден калас.

آلاس آلاس از هر بلایی خلاص
سال کهنه برو، بدی ها برو
سال نو بیا، درستی بیا
سال نو آمده، عید نوروز آمده
انبارمان پر از دان،
دهان مان پر از نان
آلاس آلاس از هر بلایی خلاص

دو خدای بزرگ و مشهور ترک های باستان، یعنی «اومای اینه» سمبل خدای مونث و «تَنگُری آتا» سمبل خدای مذکر، هنوز در بین قرقیزها جایگاه خود را در نظام اعتقادی این مردم حفظ کرده اند.

سفره نوروز

در نوروز همه مردم قرقیز در خانه های خود سفره «دسترخوان» می چینند و منتظر مهمان می باشند. در سفره همه غذاهای سنتی قرقیزی مثل «بورسوق»، «گوجو» یا «سومولوک»، «پش باژماق»، «قووژداق» و غذا های سنتی دیگر ملت ها را هم درست می کنند. غیر از این؛ همه انواع شیرینی، مربا، حلوا، میوه، خشکبار و غیره می گذارند.





۴.۵.۲ غذاهای نوروزی و سنتی قرقیزی

غذاهای سنتی قرقیزی در قدیم اغلب از گوشت گوسفند، اسب، گاو و از فرآورده های شیری تهیه می شدند. اما امروزه مواد اولیه که از آن خوراک درست می کنند، تغییر یافته است.

قرقیزها در تاریخ چندین قرن خود در خصوص تهیه ی مواد گوشتی و لبنیات تجربه زیادی اندوختند، ولی زندگی معاصر این ترکیببات را با خوراکی های دیگر از سبزیجات، میوه جات، آبیان، طیور و آرد تکمیل کرد. در آشپزی سنتی قرقیزی گوشت نقش مهمی داشت و اکنون هم به عنوان بخش اصلی باقی مانده است. در فرهنگ قرقیز، گوشت اساس اکثر غذاها است. فرآورده های گوشتی بهترین تزئین برای هر «دسترخوان» (سفره) می باشد و از فراوانی غذاهای گوشتی می توان وضعیت میزبان را تشخیص داد. برای قرقیزها تهیه گوشت و نگهداری طولانی آن بسیار مهم بود و قرقیزها از دوران باستان برای زمستان سرد و طولانی «سوغوم» (گوشت برای ذخیره) آماده می کردند. این سنت امروزه هنوز هم ادامه دارد. «سوغوم» قشرهای گوشت اسب یا گاو بود. «سوغوم» را افراد با بضاعت متوسط از گوشت گاو و گوسفند و تهیدستان اگر داشتند از گوسفند یا بز تهیه می کردند. به این ترتیب که سهمی از گوشت را نمک سود می کردند و آن را در جای سرد نگهداری می کردند یا آن را دودی می کردند و از باقی مانده غذاهای لذیذ سنتی مانند «قازی» یا «قازتا» درست می کردند. بدین ترتیب یک بخش گوشت یا «سوغوم» را تا عید نوروز نگهداری می کردند که آن را به عنوان جزء اصلی به «نوروز گوجو» (آش نوروز) اضافه کنند.





الف) «گوجو» یا «سومولوک»

یکی از متداول ترین غذاهایی که به مناسبت نوروز پخته می شود، گوجو یا سومولوک است. «گوجو» غذای نوروزی قرقیزها است که با هفت ماده غذایی درست می شود. این هفت ماده عبارتند از گوشت، آب، آرد، کره، گندم (گندم، برنج، ذرت و غیره)، نمک و شیر. این هفت ماده نمادهای شادی، ثروت، سلامت، رشد، عقل و دانش و حفاظت از آسمان است.

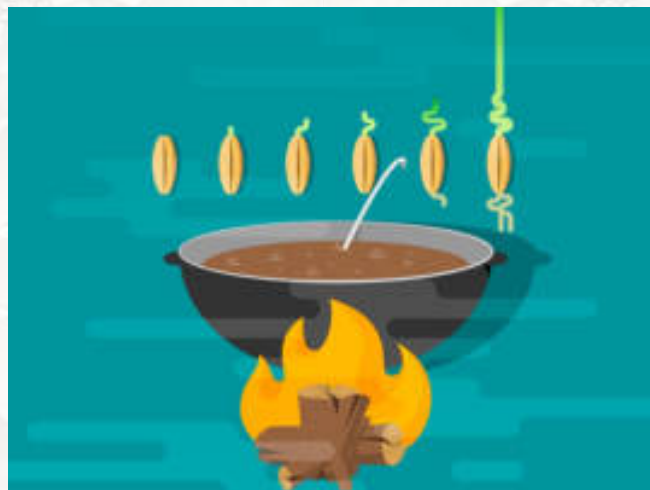


افسانه «سومولوک»

بر اساس یک افسانه قرقیزی، روزگاری سرزمین قرقیزها را سرمای شدیدی فرا گرفت به طوری که رودخانه ها یخ بستند و آسیاب ها از کار افتادند. مردم مجبور شدند غذاهایشان را از دانه های گندم نکوبیده درست کنند. بعد از آب شدن برف ها و فرا رسیدن بهار و سبز شدن کوه ها و چراگاه ها، زمین محصـول فراوان به بار آورد و دام ها زیاد شدند. علف به قدری فراوان شد که قرقیزها بسیار به پختن و خوردن گوجو روی آوردند. به همین ترتیب، هر سال در اولین روز بهار مراسم نوروز را برگزار می کنند و برای سعادت و برکت خانواده، گوجو می پزند و بر این باور بودند که چنانچه آن را در اولین روز سال نو بخورند، تمام سال به وفور یافت می شود. این غذا هم اکنون به «سومولوک» یا «سمنو» مشهور است. پختن سومولوک یا سمنو با حضور تمام خویشان و دوستان و همسایگان انجام می شود. سالخوردگان در حق جوانان دعای خیر و برای اموات طلب مغفرت می کنند. آنان همچنین دعا می کنند که در سال جدید بارندگی ها زیاد، آب رودخانه ها فراوان و دام ها با برکت شوند. به همین ترتیب در روزهای پایانی سال، زنان از بهترین دانه های (گندم، برنج، ذرت و غیره) سومولوک یا سمنو درست می کنند.

آداب تهیه و پخت «سومولوک»

ابتدا گندم ها را با آب می شویند و در طرف بزرگ و همواری می ریزند و هر روز رویش آب می پاشند تا سبز شود. به اعتقاد قرقیزها پختن سمنو باید یک شبانه روز طول بکشد. تمام شب و روز، اهالی روستا یا محله به نوبت از دیگ سمنو مراقبت می کنند. در هنگام پختن سمنو، شب همگی، به خصوص دختران و پسران جوان، دور دیگ سمنو جمع می شوند و سرودهای مخصوصی می خوانند و به بازی های ملی قرقیزی مشغول می شوند.





«بورسوق»

صبح روز نوروز همه قرقیزها نان سنتی به نام بورسوق می پزند که در میان مردم قرقیز بسیار محبوب می باشد. بورسوق از خمیری تهیه می شود که آن را به شکل گرد یا اشکال گوناگون آماده می کنند و در روغن سرخ می شود. ترکیبات باوورسوق آرد، خمیرمایه، شیر، روغن، نمک و شکر است.

«بش بازماق»

شب نوروز همه قرقیزها به خانه های هم دیگر می روند و غذاهای سنتی خود را درست کرده و جشن می گیرند. یکی از مهم ترین غذاهای سنتی قرقیزی «بش بازماق» است. «بش بازماق» از زبان قرقیزی به فارسی «پنج انگشت» ترجمه می شود و برای تهیه این غذا ابتدا تکه های گوشت گوسفند یا اسب یا گاو را درون دیگ قرار داده و با حرارت کم درون آب می پزند و در حین پخت «کف شورپو» (آب گوشت یا سوپ گوشت) را می گیرند. غذا تا آماده شدن تقریباً سه ساعت جوش می خورد. خمیر «بش بازماق» را با استفاده از دو یا سه تخم می غ، آب، نمک و آرد درست می کنند. بعد از نیم ساعت خمیر را به ضخامت یک یا یک و نیم میلی متر پهن می کنند و به شکل ماکارونی می بزنند. قبل از آماده شدن گوشت در ظرف دیگری پیازها بریده شده حلقه ای شکل، نمک، فلفل و سبزی را با شوربای چرب می پزند و خورش درست می کنند و درش را می بندند تا دم بکشد و توی شوربای جوش خمیر را حدود پنج تا شش دقیقه آب پز می کنند و بعد آن را در ظرف تخت می گذارند و روی آن گوشت و روی گوشت خورش می ریزند. در حاشیه غذا می توان سیب زمینی نیز اضافه کرد.





«قوورداق»

این غذای مخصوص قرقیزی و قزاقی است که در ترکیب آن گوشت، دل، جگر، قلوه، پیاز و در مدل امروزی سیب زمینی و گاهی هویج و ادویه فراوان استفاده می شود. قوورداق غذای مقوی، آشنای به ذائقه قرقیزی و در عین حال ارزان است. به طور معمول گوشت و دل و جگر آن گوسفندی است ولی از گوشت گوساله نیز استفاده می شود.

به طور کلی پختن غذاهای نوروزی در هر منطقه ای که نوروز جشن گرفته می شود مرسوم است و هر منطقه ای غذاها و شیرینی های مخصوص به خود را دارد.



بازی های سنتی قرقیزی در نوروز

از بازی هایی که در شب نوروز معمول بوده و هنوز در بعضی نقاط وجود دارد، می توان به آتش بازی و پریدن از روی آتش اشاره کرد. به این صورت که بوته هایی از آتش درست می کنند و با شادی از روی آن می پرند و شعری را زمزمه می کنند که ترجمه آن به فارسی چنین است.

غم برو، شادی بیا

محنت برو، روزی بیا

زردی من از تو، سرخی تو از من

در گذشته، پس از پریدن از روی آتش، خاکستر به جای مانده را به آب می دادند و جای آن می نشستند و برای خود آرزو می کردند.

همچنین شب نوروز جوانان روستا با لباس های ملی، در حیاط جمع می شدند و به بازی سرگرم کننده در شب مهتاب که با شرکت جوانان روستای همسایه برگزار می شد، مشغول می شدند. به این صورت که استخوان سفیدی را می گرفتند و یکی از شرکت کنندگان آن را دور می انداخت. سپس همه به جستجو می پرداختند. آن کسی یا گروهی که استخوان را پیدا می کرد، برنده می شد و کسانی که نمی توانستند پیدا کنند، به آواز و رقص می پرداختند.





«کوک بورو» یا «اولاق تارتیش»

یکی از مسابقات ورزشی قرقیزی «کوک بورو» یا «اولاق تارتیش» است. کوک بورو در فارسی به معنی بزکشی است و یکی از قدیمی ترین بازی های سنتی گروهی است که بر روی پشت اسب انجام می شود. پیشینه این بازی به چنگیزخان، امپراتور مغول، بر می گردد که ارتش وی در قرن سیزدهم آسیا را تسخیر کرد. این بازی در قدیم توسط جنگجویان قرقیز ابداع گردید و هم اکنون در میان مردمان آسیای میانه از جمله تاجیک ها، ازبک ها، قزاق ها، ترکمن ها و افغان ها انجام می شود. نحوه انجام بازی به این صورت است که عده ای سوارکار برای کنترل لاشه یک بز یا گوساله تازه ذبح شده با هم به رقابت می پردازند. قاضی در وسط میدان بازی لاشه گوسفند یا بز را می اندازد. سوارکاران باید لاشه را در حین سوارکاری از روی زمین برداشته و آن را با پیشی گرفتن از رقبای در محل مشخصی که معمولاً یک دایره علامت گذاری شده در زمین بازی است، به زمین بگذارند.

«قیز کومای»

«قیز کومای» یکی از بازی های سوارکاری است که ریشه های آن از روزگاران قدیم در زمانی که دختران سرباز و اسب سوار بودند، سر چشمه می گیرد. دختران به جوانان برگزیده شرایط خود را ارایه می کردند، از جمله مسابقه با او در اسب تازی. در صورتی که جوان برنده می شد، او حق داشت با آن دختر ازدواج کند. این بازی به روزگار فعلی نیز رسیده، در میدان باز و با فاصله معین صورت می گیرد. طبق شرایط بازی دختر باید جوان را با قمچی بزند و بتازد و سعی کند اول به ستون چرخش برسد. در صورتی که جوان تا محل معین به دختر رسید، او حق داشت دختر را در آغوش بگیرد و ببوسد. اگر جوان به دختر نرسید، دختر در راه برگشت ضربات متعددی به او می رساند.



موسیقی در ترنم بهار

در نوروز همه جا برنامه های موسیقی و مسابقات ورزشی یا بازی های ملی و محلی قرقیزی برگزار می شود و دختران و پسران قرقیزستانی با لباس های محلی در کوی و برزن به شادمانی و آوازخوانی می پردازند و رقص های ملی اجرا می کنند و «قوموز» می نوازند. هنرپیشگان با سرودها و نواها و آهنگ های دلنشین فرارسیدن بهار، احیای طبیعت، پاکی و پاکیزگی دل های انسان و آغاز کشت و کار بهاری را وصف و ترنم می نمایند.

یکی از سازهای مشهور و پرکاربرد قرقیزها «قوموز» است. نوازنده آن از احترام خاصی برخوردار است و در اکثر مراسم های سنتی و غیر سنتی معمولاً به عنوان ترجیع موسیقی های دیگر نواخته می شود. به عقیده قرقیزها، این ساز، موسیقی اصیل است که نوازندگان داستان ها و افسانه ها را آهنگین و با ساز قوموز قرائت می کنند. نام فارسی آن احتمالاً باید قاموس باشد. این عکس حالت های مختلف نواختن قوموز را نشان می دهد. غیر از قوموز چور، تمیر قوموز یا اوز قوموز، قیل قیاق هم از انواع دیگر آلات موسیقی قرقیزها است.





لباس ملی و سنتی قرقیزی

لباس های ملی قرقیزها ضمن سادگی، زیبایی خاصی دارد. برای دوختن لباس از مواد سنتی همچون پوست، چرم، نمد نازک و ماهوت استفاده می کردند که قرقیزها آن را در شرایط خانگی خود آماده می نمودند. لباس را گاهی هم از پارچه های وارداتی مانند ابریشم، مخمل و زربافت می دوختند که خود معیار ویژه استطاعت صاحبش بود.



پارچه های نخی نیز به طور وسیع استفاده می شوند. از چرم و پوست، پالتو پوست، کلاه، شلوار و لباس رویی زیبا می دوختند که در اصل از پوست دام خانگی مثل بز، گوسفند، گاو، اسب استفاده می کردند.





پوست کنده شده را خشک کرده سپس آن را با شیر ترش (آیران یعنی ماست) مخلوط شده با سبوس یا آرد می مالیدند و پوست را لوله می کردند. بعد از سه تا چهار روز آن را با آب شسته در آب نمک قرار می دادند، بعد از خشک کردن در چند نوبت مخلوط باقی مانده را از داخلش با کارد مخصوص تراشیده، سپس پوست را با دست نرم می کردند و پس از آنکه پوست به رنگ سفید در آمد برای این که بیشتر سفید شود بر روی آن آبی گچ آلود می ریختند، پوست آماده را با پارچه دوخته استفاده می کردند. برای تهیه پوستین و شلوار زمستانی پوست را دباغی و سپس رنگ آمیزی می نمودند. مثلاً رنگ زرد را از ریشه گیاه های مختلف یا از برگ های درختان و رنگ نارنجی را از پوست خشک شده انار به دست می آوردند. در میان این موارد دوختن لباس از پشم حیوانات خانگی جایگاه ویژه ای داشت که از آن به عنوان استر برای پیراهن رویی و کلاه ها استفاده می کردند. انواع زیادی از لباس ها را از نمند می دوختند. برای تهیه آن به طور عمده پشم سفید به ویژه پشم نازک ارزش زیادی داشت که آن را از گردن گوسفند به دست می آوردند.



نوروز در بین دانشجویان رشته زبان فارسی

آشنایی دانشجویان زبان فارسی در دانشگاه های قرقیزستان با فرهنگ ایرانی بر اهمیت این رسم بزرگ ایرانی می-افزاید. هر ساله یک ماه مانده به نوروز، دانشجویان زبان فارسی دانشگاه های قرقیزستان خود را برای برگزاری این مراسم در دانشگاه آماده می کنند. آنها با فراهم کردن غذاهای سنتی ایرانی و نمادهای سفره ی هفت سین و نمادهای سفره نوروز قرقیزی به مقایسه ی نمادهای نوروز در میان مردم دو کشور ایران و قرقیزستان می پردازند.

همچنین دانشجویان گروه های زبان فارسی دانشگاه ها با دعوت از استادان و دانشجویان گروه های دیگر به نمایش پاره ای از مراسم ویژه نوروز از قبیل قاشق زنی، حاجی فیروز، عمو نوروز و ... می پردازند. یعنی آئین ها، صنایع دستی، شیرینی ها و غذاهای محلی خود را به نمایش می گذارند و درباره آن توضیحاتی ارائه می دهند و مخصوصاً سفره هفت سین ایران از موضوعات قابل توجه بازدیدکنندگان می شود.





در این برنامه ها دانشجویان رشته زبان فارسی قطعاتی از اشعار فارسی یعنی اشعار عمر خیام، سعدی، فردوسی، حافظ و غیره را قرائت می کنند و همچنین گروه تئاتر دانشجویی نمایشی مثل قاشق زنی، حاجی فیروز، عمو نوروز و غیره را به زبان فارسی اجرا میکند. گاهی نیز این مراسم در طیفی گسترده تر و با همکاری دانشگاه و سفارت یا رایزنی فرهنگی ایران در قرقیزستان با حضور شخصیت های دو کشور برگزار می شود که از شکوه خاصی برخوردار است. بدین ترتیب نوروز ایران به یک سنت حسنه تبدیل می شود.



**۵. نتیجه گیری:**

برای مردم قرقیز عید نوروز با بیدار شدن طبیعت و برابری روز و شب آغاز سال نو است. نوروز هماهنگی هایی طبیعی در میان مردمی بوجود می آورد که از دیرباز تاکنون فهم و درک آن را داشته اند که باید وجوه مشترک و حقایق آشکارایی را در میان عموم جستجو کنند و بر آنها تکیه نمایند. شاید با این همه سازمان ها و دستگاه هایی که در سطوح ملی و جهانی برای نزدیکتر کردن دل ها و اندیشه های اقوام و ملل با یکدیگر خود دیده است بهتر از هر وقت دیگری ضرورت حفظ این رسم کهن و جهانی شدن آن را حس کرده باشد و خود را بیش از پیش ملزم و ملتزم ببیند که شعائر خوب نوروزی را محترم شمارد و از برکات یکرنگی ها فایده برگیرد. نوروز جشنی طبیعی است که بی اعمال نظر خاص و یا تحمیل شرایط معین از سوی یک گروه و جامعه و ملت معینی بر دیگران تحقیق می یابد و هیچ غایت سیاسی یا اقتصادی و نظامی ویژه ای را دنبال نمی کند. هر ملت آداب و رسوم خود را دارد و وجود رسوم و عادت محلی و آداب محیطی متعدد مبین این حقیقت است که مردم هر عرصه و زبان و ساکنان هر ناحیه و استان به میل خود اعمالی را برگزیده اند و بر اثر کثرت تکرار آنها را به صورت سنن مخصوص قومی و قبیله ای و منطقه ای عرضه کرده اند.

نوروز ماندنی است، چون بزرگداشت ذات زمان است، شایسته ماندگاری است و مردمان از هر قوم و ملتی بدان دلبسته و پابسته اند، چون باری بر دوش هیچکس نمی گذارد و در همان حال از مطلوب ترین و مناسب ترین و طبیعی ترین روزهای فرحبخش سال می گذرد و به آسانترین شیوه ها، غم های زوم کرده و رنج های ناگزیر سالی را در گذشته است، از ذهن ها و روان ها و جسم ها دور می گرداند.

منابع

۱. آدب و رسوم نوروز. رضا شعبانی. مرکز مطالعات فرهنگی - بین المللی ۱۳۷۸.
۲. نوروز و آیین های نوروزی در ورارودان. احمد روزی. سازمان میراث فرهنگی کشور.
۳. تاریخ نوروز و گاهشماری ایران. رضا عبدالعظیم.
۴. مجله www.prazdnic.kg
۵. مجله www.azattyk.kg
۶. www.cjuntry.turmir.com
۷. www.net.kg
۸. قرقیزنامه: گذری بر فرهنگ و تاریخ قرقیزستان. رضا میاندره. فیپا ۱۳۸۷.



شکار سنتی قرقیزی با پرندهگان شکاری

شکار با پرندهگان شکاری یکی از آداب و رسوم قرقیزها می باشد. پرندهگان شکاری که نوع آنها عمدتاً باز یا عقاب طلایی (به قرقیزی بزگوت) می باشد، به زمان حمله مغول به منطقه آسیای مرکزی در قرن های ۱۲-۱۳ میلادی بر می گردد. در آن دوره باز خوب و اسب تیز پا ارزش یکسان داشتند و به اعتبار و وجهه صاحب آنها می افزودند.

در قرقیزستان مانند دیگر کشورهای منطقه مثل قزاقستان و مغولستان این پرنده را برای شکار آموزش می دهند. از آن جا که این پرنده قدرت شکارگری بسیار بالایی دارد، از عقاب طلایی برای شکار گرگ و روباه استفاده می کنند. عمر متوسط این عقاب ها در طبیعت ۱۱ سال است، اما در اسارت تا ۲۸ سال هم عمر می کنند، زیرا در طبیعت با خطرهای گوناگونی مواجه هستند.

برای شکار با باز قرقیزها اسب های مخصوص دارند که از قبل آموزش داده شده اند. برای اینکه اسب سوار بتواند تعادلش را در زن اسب حفظ کند و در یک دستش عقاب را بگیرد، وسیله ای مخصوص به نام «بالداق» برای نگهداری دست اسب سوار به زمین نصب می گردد. قرقیزها معمولاً برای شکار آهو، گوزن، روباه و دیگر حیوانات کوچک می روند. در هنگام شکار عقاب در حین پرش و ضمن تعقیب هدف خود شیرجه می زند و حیوان را بلافاصله می کشد. قدرت عقاب های طلایی قرقیزی به قدری است که می توانند حریف گرگ های جوان شوند که نمی توانند در برف عمیق راه بروند. گاهی اوقات عقاب های طلایی به صورت جفت همراه صاحبانشان برای شکار می روند، همانطور که این کار را در طبیعت انجام می دهند.

بازدار و باز شکاری باتجربه می توانند در یک فصل شکاری چهار ماهه که در پاییز شروع می شود به طور متوسط ۵۰-۶۰ روباه، ۱۲ رودک، ۲ و شق اوراسیایی و ۴-۵ گرگ شکار کنند. شکار، آموزش و نگهداری عقاب های طلایی کار بسیار دشوار و پرمشقتی است که قرقیزها به آن معروف هستند. بازداران به پرندهگان یاد می دهند تا در نحوه شکار طوری مهارت داشته باشند تا جای چنگ بر روی پوست حیوان مورد هدف نگذارند.



آموزش بازها وقت زیادی (۳-۴ سال) می گیرد. آموزش را باید تنها یک نفر انجام دهد تا پرنده به وی عادت کند. بیشتر پرندگان که طول عمرشان به طور متوسط ۴۰ سال می باشد در جوانی گرفته می شوند و بر سرشان کلاه گذاشته می شود. پرنده را در قفس نگهداری می کنند و آن را مدام تکان می دهند و صاحبش به وی آهنگ های خاص قرقیزی می خواند تا پرنده به صدای وی عادت کند. تنها صاحب پرنده حق دارد به آن غذا بدهد.

زمانی که باز به سن کافی برای شکار برسد، صاحبش پوست حیوانات شکاری را به آن نشان می دهند تا رنگ و بوی آنها را بشناسد. این کار با اشارات و دستورهایی مخصوصی انجام می شود. گفتنی است که هر بازی، باز شکاری نمی شود. تنها بازهایی شکاری می شوند که ارادت خاصی به صاحبشان داشته باشند. علیرغم اینکه صاحب هیچ گاه پرنده را به دستش نمی بندد، پس از شکار باز همیشه به صاحبش برمی گردد.

فصل شکار در ماه اکتبر شروع و در ماه فوریه به اتمام می رسد. در هنگام تابستان بیشتر پرندگان فر به می شوند و نمی توانند پرواز کنند. در قرقیزستان بازداران مناطق ایسیک کول، نارین و حومه بیشکک مشهور هستند.

منبع:

<http://www.advantour.com/rus/kyrgyzstan/culture/hunting-eagles.htm>



تهیه برنامه اقدامات مربوط به حقوق بشر برای سال های 2022-2024 در قرقیزستان

۹ مارس ۲۰۲۲



وزارت دادگستری قرقیزستان پیش نویس دستور کابینه وزیران در مورد تصویب برنامه اقدامات مربوط به حقوق بشر برای سال های ۲۰۲۲-۲۰۲۴ را برای بحث ارائه کرده است.

این سند به منظور انجام تعهدات بین المللی قرقیزستان در زمینه حمایت از حقوق و آزادی های بشر برای اجرای توصیه های ارائه شده توسط نهادهای معاهده حقوق بشر سازمان ملل متحد و همچنین با در نظر گرفتن تعهداتی که جمهوری قرقیزستان برای اجرای توصیه های بررسی دوره ای جهانی پذیرفته است، تدوین شده است. اهداف پیش نویس دستور عبارتند از:

- اجرای توصیه های نهادهای معاهده سازمان ملل متحد و تعهدات داوطلبانه جمهوری قرقیزستان بر اساس برنامه های عمل سه ساله.

- فراهم کردن فعالیت های هماهنگ و تلاش های مشترک ارگان های دولتی و ارگان های خودگردان محلی برای بهبود رعایت حقوق و آزادی های بشر.

پیش نویس برنامه اقدامات آماده شده شامل ۱۴۸ وظیفه است.

این پروژه همچنین شامل موارد ذیل است:

۱. توصیه های دوره سوم بررسی دوره ای جهانی.
۲. رویه های ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد پس از بازدیدهای آنها از جمهوری قرقیزستان (گزارشگر ویژه در مورد حق سلامت جسمی و روانی؛ گزارشگر ویژه در مورد مسائل اقلیت ها؛ گروه کاری ناپدید شدن های اجباری یا غیرآزادی).
۳. نکات برنامه اقدامات راجع به حقوق بشر برای سال های ۲۰۲۱-۲۰۱۹ که محقق نشده و یا نیازمند اجرای مستمر است.
۴. توصیه هایی از خلاصه اسناد ارائه شده توسط ذینفعان به دوره سوم بررسی دوره ای جهانی قرقیزستان.

منبع:

<https://kg.akipress.org/news:1767448/?from=kgnews&place=search&sth=31ead25f3fd0a01a67d50026898899d8>



افتتاح ساختمان تئاتر ملی «ماناس» قرقیزستان در بیشکک



به گزارش بخش رسانه ای کابینه وزیران، ساختمان تئاتر ملی «ماناس» قرقیزستان در تاریخ ۱۴ مارس ۲۰۲۲ در شهر بیشکک افتتاح گردید.

در مراسم افتتاحیه عاقل بک جباراف رئیس کابینه وزیران، سویوئبک کاشماشبتوف دبیر دولتی، قوزمانقول زولوشیف دادستان کل و عظمت جامانقولوف وزیر فرهنگ، اطلاعات، ورزش و سیاست جوانان حضور داشتند.

در این مراسم عاقل بک جباراف با آرزوی موفقیت و بهروزی برای هنرمندان گفت: «بسیاری از ابتکارات خوب که ۳۰ سال اخیر مورد توجه قرار نداشتند، اکنون به لطف حمایت رهبری کشور اجرا می شوند. بدین ترتیب، ساختمانی به تئاتر ماناس اختصاص یافت. سهم شما در حفظ میراث فرهنگی ناملموس مردم قرقیزستان، سنت ها و ادبیات شفاهی ما، به ویژه حماسه «ماناس» ارزشمند است. با توجه به این در ماه آوریل قرار است حقوق کارمندان حوزه اجتماعی، از جمله فرهنگیان افزایش یابد».

این تئاتر در سپتامبر ۲۰۲۱ به منظور حفظ، توزیع و عمومیت بخشیدن به حماسه «ماناس» و همچنین حماسه های کوچک و آثار داستان سرایان (ماناسچیان و داستانچیان) ایجاد و در تاریخ ۱۷ فوریه ۲۰۲۲ با فرمان ریاست جمهوری به عنوان یک موسسه ملی شناخته شد.

منبع:

<https://culture.akipress.org/news:1768483>



آرامگاه سفید بولان شاه فاضل





اسم این روستا که برای مردم قرقیز بیگانه به نظر می‌رسد به ایامی بر می‌گردد که شاه جریر نوه حضرت محمد با لشکری انبوه به به این منطقه آمده است تا اسلام را ترویج دهد.

در آن زمان آتش پرستان محلی در موقع اقامه نماز جمعه اعراب به آنان حمله کردند و سرهایشان را بریده، همه آنها را کشتند. در آن خونریزی حدود ۲۷۷۲ نفر مسلمان کشته شدند و جنازه آنها در مسجد مانده بود. ساکنان محلی را منع کرده بودند تا آنها را دفن کنند. از آن زمان این مسجد، مسجد قرقین نامیده شد. ولی یک دختر به نام بولان یکی از خدمتکاران اعراب در جستجوی جنازه شاه جریر همه جنازه‌ها را جمع کرد و بعد از شستن آنها را دفن کرد. از ترس و وحشت دختر سفید شد تا جایی که حتی پوستش سفید شده بود. ساکنان محلی از مهربانی و کارهای خوب دختر به او نام «سفید» دادند و از آن زمان این مکان «سفید بولان» به معنی «بولان سفید» نامیده شد. مکانی که سرهای آنها دفن شده بود «کله‌خانه» و در فاصله ۳۰۰ متر آن که جنازه آنها دفن شده بود «قبرستان شهدا» نام دارد. بعد از مدتی پسر شاه جریر به قصد انتقام گرفتن به این مکان آمد و ساکنان محلی اسلام را پذیرفتند. برای یادبود این حادثه خونین آرامگاهی ساخته شد. بنابراین این محل تبدیل به زیارتگاهی شد که هر سال هزاران زائر از آسیای مرکزی می‌آیند.

سفید بولان شاه فاضل یکی از مکان‌های تاریخی مقدس قرقیزستان در استان جلال آباد بین مناطق آلابوقا و آقسوی در محل ادغام رودخانه پادیش آتا و چاناچ سای واقع است که نماد دو فرهنگ اعراب و ترک‌ها می‌باشد. در دوران گذشته این مکان به عنوان کانون گسترش اسلام در آسیای میانه معروف بوده است. بر اساس اعتقادات بعضی از دانشمندان این مکان به عنوان نمونه توسعه یافتگی و پیشرفت دوره قراخانیان محسوب می‌شد که دین اسلام را به عنوان ایدئولوژی اصلی در آسیای مرکزی و قزاقستان پذیرفته بودند. در آن دوره شهرهای قراخانیان از مراکز فرهنگی، هنری و معماری به شمار می‌رفتند. آرامگاه سفید بولان شاه فاضل زیارتگاه مسلمانان است. این مکان تاریخی مقدس دارای آثار تاریخی عصر برنز، آرامگاهی مربوط به قرون یازدهم و دوازدهم میلادی و مناظر طبیعی جذاب مانند کوه آرچا مزار است.

بر اساس روایات، این کوه آخرین محلی است که اسکندر کبیر به آن رسیده بود و از دست اقوام سکا‌های تیزخود شکست خورد. کتیبه‌هایی بر روی سنگ خارا به زبان یونانی حاوی نوشته «اسکندر اسخاتا» به معنی «اسکندر آخر» موجود در این مکان تأییدگر این امر است.

در نزدیکی این کوه روستای سفید بولان با تاریخچه صدساله واقع است که در قرون میانه در کتیبه‌های تاریخی به نام اسپید بولان معروف بوده است.





ورود به سفید بولان فقط برای زنان جایز است تا بتوانند در خلوت قرآن بخوانند و دعای خیر کنند. آرامگاه متشکل از دو اتاق می باشد. کسانی که وارد اتاق می شوند حس عجیبی به ایشان دست می دهد. آدم در این محل مشکلات و ناراحتی های خود را فراموش کرده با خودش تنها می ماند. در حیاط سنگ نماد باروری وجود دارد که به گفته اهالی روستا، این سنگ از دوره قبل از اسلام به جای مانده است. زنان به آن سنگ دست زده برای برکت، سلامتی و موفقیت دعا می کنند. همچنین کسانی که بچه دار نمی شوند نیز به زیارت این محل می آیند.



بنابر اعتقاد والیتینا گوریاچینا دانشمند و پروفیسور دانشگاه اسلاویائی، در این آرامگاه محمود ابن ناصر حکمفرمای فرغانه که به اسم شاه فاضل به معنی شاه عادل معروف بود، دفن شده است. در کتیبه های سنگ قبر نیز ثبت شده است که شاه فاضل به شهادت رسیده بود. این کتیبه ها به زبان های عربی و فارسی و اسامی بعضی از اشخاص به زبان ترکی نوشته شده است.





در دیوارهای این آرامگاه سوره های قرآن حک شده است. از کین یگیمقولوف در کتاب خود به نام «میمن شهادت» نوشته است که این آرامگاه تنها اثر باقی مانده از دوره قراخانیان است.



آرامگاه شاه فاضل ساختار گنبدی شکل دارد که چهار ضلع آن به سمت چهار طرف است. ارتفاع این آرامگاه ۱۵،۵ متر و با حواشی بخش بیرونی آن ۱۵،۷ متر می باشد.





کارهای تحقیقاتی این آرامگاه و کتیبه های آن در قرن نوزدهم میلادی از طرف دانشمندان روس مانند آروانیتاکی و واسیلوسکی و در قرن بیستم بارتولد، برنشتام، پتگر، میاکونوف، ناستیچ، زاسپیکین، گوریاچوا انجام شد که مستندات بر این گواه است که این اثر جایگاه تاریخی ویژه ای دارد.



در سال ۱۹۹۹ میلادی سفیدبولان شاه فاضل در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است.





https://24.kg/reportazhi/612_moe_palomnichestvo_v_safed-bulan_shah-fazl/



ملا صابر حاجی دوسبولوف

زندگینامه



استاد محمد صابر دوسبولوف معروف به ملا صابر حاجی سال ۱۹۵۵ در روستای زردآلوی استان باتکن به دنیا آمد. در دوران تحصیل در مدرسه اصول دین اسلام را از پدر خود آموخت. پس از پایان دبیرستان به علوم دینی علاقه مند شد و در این رشته تحصیلات خود را ادامه داد و تکمیل تحصیلات دینی خود را سال ۱۹۷۱ نزد ملا شمس الدین بشیراف آغاز کرد. سپس شاگرد ملا عبد السمیع استاد بزرگ شهر اسفارای تاجیکستان شد. حدیث، تفسیر و سایر علوم اسلامی و زبان های عربی، فارسی و چغتایی را فرا گرفت. از سال ۱۹۷۶ فقه، عقیده، فرائض و علوم اسلامی دیگر را نزد ملا عبد الستار آموخت. از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ او به طور مستقل به آموزش کودکان مشغول بود و از سال ۱۹۸۹ در مدرسه میرعرب بخارا تدریس می کرد.

سال های ۱۹۹۳-۱۹۹۵ او به بیشکک آمد و مدرسه «آکوشا» را تأسیس کرد و در همان سال به عنوان محقق جوان در آکادمی ملی علوم جمهوری قرقیزستان مشغول به کار شد. از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۶ او معلم مدرسه «آکوشا» بود و سال ۱۹۹۶ دومین کنگره مسلمانان قرقیزستان را سازماندهی کرد.

وی از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۷ عضو شورای علمای اداره دینی مسلمانان (مفتیات) قرقیزستان بود. سال های ۱۹۹۷-۱۹۹۸ معاون مفتی و سال های ۱۹۹۷-۲۰۰۰ ناشر و سردبیر مجله «نور اسلام» بود. در آن سال ها به کار مترجمی نیز می پرداخت. وی از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ ریاست بخش فتوای مفتیات را بر عهده داشت. سال ۲۰۰۱ دانشگاه اسلامی رسول اکرم را تأسیس کرد و تا سال ۲۰۱۶ ریاست آن را بر عهده داشت.

وی سال ۲۰۱۷ عضو ششمین شورای علمای مسلمان قرقیزستان شد و آن زمان مرکز خیریه به نام «مرکز فرهنگی» را تأسیس و اداره کرد. این مرکز هفت مرکز حفظ قرآن را تشکیل داد. او تا پایان عمر عضو شورای علمای مسلمانان قرقیزستان و عضو گروه مشورتی دانشگاه اسلامی رسول اکرم که خود تأسیس کرد؛ بود. تا به امروز هزاران نفر فارغ التحصیلان مدارس و دانشگاه دینی او هستند.

ملا صابر پدر ۱۳ فرزند بود و ۱۶ خواهر و برادر داشت. او نه تنها به تدریس، بلکه به تألیف و ترجمه کتاب در زمینه دین نیز می پرداخت. او مولف ده کتاب به زبان قرقیزی، مترجم دو کتاب از زبان فارسی (مجموعه التواریخ و صد نصیحت لقمان حکیم به فرزندش)، چهار کتاب از زبان چغتایی و یک کتاب از زبان عربی بود. شاگردان ملا صابر اکنون قاضی، امام خطیب، مترجم، امام، مدرس و غیره هستند.

این عالم سرشناس دینی قرقیز در اسفند سال ۱۴۰۰ دار فانی را وداع گفت.





